

معراج عشق

مؤلف:

محمد اسلامی



کتابخانه ملی و اسناد ایران

۱۳۸۴

اسلامی، محمد، گردآورنده -

معراج عشق / مؤلف محمد اسلامی - تهران: بنیاد شهید و امور ایثارگران انقلاب اسلامی، معاونت پژوهش و ارتباطات فرهنگی، نشر شاهد، ۱۳۸۴.

ISBN: 964-394-100-0

فهرست نویسی بر اساس اطلاعات فیا
کتابنامه.

۱. جنگ ایران و عراق، ۱۳۵۹-۱۳۶۷ - شهیدان، ۲. شهیدان - ایران - بازماندگان - خاطرات، ۳. جنگ ایران و عراق، ۱۳۵۹-۱۳۶۷ - خاطرات، الف) بنیاد شهید انقلاب اسلامی، نشر شاهد، ب) عنوان.

۹۵۵/۰۸۳۳۰۹۲۲

DSR ۱۵۱۸ الف / ۱۶۲۵

۸۴/۱۱۶۲۲

کتابخانه ملی ایران



سازمان اسناد و کتابخانه ملی

معراج عشق

مؤلف: محمد اسلامی

شمارگان: ۵۰۰ نسخه

چاپ و صحافی: مجتمع چاپ سازمان فرهنگی سیاحتی کوثر

نوبت چاپ: اول - ۱۳۸۴

قیمت: ۵۰۰۰ ریال

ISBN: 964-394-100-0

شابک: ۹۶۴ - ۳۹۴ - ۱۰۰ - ۰

نشانی: تهران - خیابان آیت الله طالقانی، خیابان ملک الشعرای بهار پلاک ۳
ساختمان معاونت پژوهش و ارتباطات فرهنگی بنیاد شهید و امور ایثارگران، نشر شاهد

تلفن: ۸۸۸۲۳۵۸۵

این کتاب با همکاری و حمایت اداره کل بنیاد شهید و امور ایثارگران استان کرمان به چاپ رسیده است و کلیه حقوق مادی و معنوی آن متعلق به این اداره کل می باشد

فهرست

- ۱.....می‌خواهم ایمانم را امتحان کنم
- ۵.....ما را قطعه قطعه کنید
- ۷.....تانک به جای صبحانه
- ۸.....فانوس ابتکاری
- ۹.....آموزش تفنگ جدید
- ۱۱.....قدر این چند روز را بدانیم
- ۱۱.....پایان غم‌انگیز یک مبارزه
- ۱۴.....این‌ها نباید به دست عراقی‌ها بیفتند
- ۱۶.....کسی اشتباهی برده است
- ۱۷.....این بار کربلائی‌ام
- ۲۰.....دشت عباس و دشت دل‌ها
- ۲۳.....باید استغفار کنی
- ۲۶.....شهید او را نصیحت کند
- ۲۹.....ممتازترین وجه «ممتاز»
- ۳۱.....ایستاده به سمت هدف
- ۳۲.....انصراف از زیارت
- ۳۳.....پول‌ها را بین بچه‌ها تقسیم کن
- ۳۴.....آخرین مهمات

- ۳۶..... منتظر من باش
- ۳۷..... گمشده
- ۳۹..... حق الزحمه طیب
- ۴۱..... حبیب و محبوب در معبر مین
- ۴۳..... شلمچه لاله گون
- ۴۶..... مبادا روی خون آنها پا بگذاریم
- ۴۸..... گفته بودم دلم آن جاست
- ۵۰..... نمی گذارند به مرادم برسم
- ۵۵..... اجازه دهید آتش را خاموش کنیم
- ۵۷..... پزشکان جوان روی جنازه ام تجربه بیاموزند
- ۵۹..... عروسی می رویم
- ۶۰..... دوست دارم فرمان امام را لبیک گویم
- ۶۱..... عجب افتضاحی شد
- ۶۳..... معجزه
- ۶۵..... سردار بی سر در قربانگاه شلمچه
- ۷۰..... من بچه را نگه می دارم
- ۷۱..... فرمانده و خورجین
- ۷۲..... خاکی افلاکی
- ۷۴..... چراغی در بهشت
- ۷۶..... او همه چیز را می دانست
- ۷۷..... دلگیر از بی اعتنائی اش، اما
- ۷۸..... یک بار دیگر امتحان کنیم
- ۸۰..... ماجرای آن همه عکس
- ۸۲..... لبخند دایی

مقدمه نویسنده

برای شهادت نویسی، هیچ قلمی بدون لطف الهی بر صفحه نمی‌لغزد، خدای را سپاس که بر بنده ناچیز خود منت نهاد و این موهبت گرانمایه را در وجودم ودیعه نهاد. آنهایی که تصور می‌کنند واژه شهادت تنها در یک دوره خاص مرسوم بوده باید بدانند که این بیرق از همان روزی که خداوند آدم‌البشر(س) را خلق نمود به عنوان نماد عزت و سرافرازی قرار داد و جدال هابیل وقابیل اولین نقطه شروع بی‌پایان مسیری است که لبریز از نقاط روشن، پررنگ و چشم‌گیر بوده است. لیکن با همه روشنایی‌های این راه، هیچ نقطه‌ای به تابناکی، بزرگی و ماندگرای قیام عاشورا و انقلابگر بزرگ آن حضرت امام حسین(ع) نبوده و نخواهد بود.

دفاع ۸ ساله ما نیز از جمله نقاط روشن و پررنگی است که با تأسی از قیام کربلا در سرزمین مقدس ایران شکل گرفت. در یان مدت هزاران انسان مردصفت آگاهانه خلعت شهادت را به تن

نمودند و نام خود را در دفتر حماسه سازان این مسیر ثبت و ضبط نمودند. اکنون نیز باب شهادت باز است. چرا که این سنت الهی است که بدعت ناپذیر است. هنوز ما با چشمان غم گرفته و قلوب غبارآلود خود منتظریم تا خداوند لیاقت پوشیدن این جامه را به ما ببخشد. در هر زمانی که این اتفاق بیفتد واقعه‌ای مبارک است اما کاش در لحظه‌ای باشد که در رکاب امام عصر (عج) باشیم.

محمد اسلامی (عبدالشهداء)